

## استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

۱  
سیدمحمدحسین راجی

### چکیده

یکی از بارزترین صفات حکومت پهلوی، وابستگی به دولت‌های بیگانه و به ویژه آمریکا بود. این درحالی است که یکی از اصول مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور است اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل استقلال از چنان ارج و منزلتی برخوردار شد که همراه اصل آزادی در کنار اسلام، به‌عنوان اصلی تفکیک‌ناپذیر، به قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد شد و حفظ استقلال، وظیفهٔ آحاد ملت و دولت و کارویژهٔ اصلی سیاست کشور تلقی شد. مقولهٔ استقلال از نظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، یکی از شاخص‌های مهم و جزو آرمان‌های اصلی انقلاب به‌شمار می‌رود.

در بحث استقلال ایجابی، به‌نظر امام‌خمينی هدف انقلاب اسلامی تأمین استقلال مملکت در ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و فکری است. ایشان «سپردن کار به کاردانان وطن‌خواه امین» و خودکفایی و اختصاص مخازن و منابع کشور به مردم و نیز استقلال فکری مراکز آموزشی را از پیش شرط‌های لازم برای تحقق استقلال برشمرده است.

با وجود مصداق‌های بسیار برای استقلال ایران اما هنگامی که بحث استقلال در جمهوری اسلامی مطرح می‌شود - به واسطه حجم عظیم شبهات از سوی دشمنان نظام - شبهات مختلفی مطرح می‌شود که برنامه جامع همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین و واگذاری ۳۲ درصد از دریای خزر توسط ایران به روسیه از جمله این شبهات به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: استقلال ایران، استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی، استقلال فرهنگی، استقلال نظامی، وابستگی ایران در حکومت پهلوی

۱. مدیر اندیشکده راهبردی سعدها

یکی از مهم‌ترین اهداف هر انقلاب، رسیدن به استقلال و وابسته‌نبودن ملت به کشورهای استعماری و استکباری است که در این مقاله به بررسی استقلال و وابستگی نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی پرداخته می‌شود.

## ۱- از وابستگی دوران پهلوی تا استقلال ایران اسلامی

یکی از بارزترین صفات حکومت پهلوی، وابستگی به دولت‌های بیگانه و به ویژه آمریکا معنا بود. این درحالی است که یکی از اصول مهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل استقلال از چنان ارج و منزلتی برخوردار شد که همراه اصل آزادی در کنار اسلام، به‌عنوان اصلی تفکیک‌ناپذیر، به قانون اساسی جمهوری اسلامی وارد شد و حفظ استقلال، وظیفهٔ آحاد ملت و دولت و کارویژهٔ اصلی سیاست کشور تلقی شد.<sup>۲</sup> مقولهٔ استقلال از نظر بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، یکی از شاخص‌های مهم و جزو آرمان‌های اصلی انقلاب به‌شمار می‌رود.

از نظر حضرت امام استقلال دو بُعد سلبی و ایجابی دارد. استقلال سلبی همان استعمارزدایی است که زمینه‌ساز تحقق حکومت نه شرقی، نه غربی محسوب می‌شود.<sup>۳</sup> امام راحل یکی از اهداف انقلاب اسلامی را قطع دست اجانب از مملکت اسلامی، قطع ریشه‌های وابستگی، رفع سلطه و ضعف و سستی و زبونی در مقابل استعمار، جلوگیری از استثمار و استعباد، قطع منافع و مطامع استعمارگران و در یک کلام، استقلال از استعمار خارجی دانسته‌اند. این بزرگوار ضمن تأکید بر ماهیت ضداستعماری نهضت، هدف انقلاب اسلامی را خارج‌شدن از مدار وابستگی به کشورهای امپریالیست و درنهایت، شکست ابرقدرت‌ها دانسته و در این زمینه، بر کوتاه‌کردن دست جنایتکاران خارجی و به‌انزواکشاندن قدرت‌های استعماری در جهان و نیز مقابله با ایادی منطقه‌ای امپریالیسم به‌ویژه صهیونیسم تأکید بسیار کرده‌اند.<sup>۴</sup>

در بحث استقلال ایجابی، به‌نظر امام‌خمینی هدف انقلاب اسلامی تأمین استقلال مملکت در ابعاد سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و فکری است. ایشان «سپردن کار به کاردانان وطن‌خواه امین»<sup>۵</sup> و خودکفایی و اختصاص مخازن و منابع کشور به مردم و نیز استقلال فکری مراکز آموزشی را از پیش‌شرط‌های لازم برای تحقق استقلال برشمرده و می‌فرمایند:

۲. نک: اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۳. نک: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی (ره)، صحیفهٔ امام، ج ۱۷، ص ۵۶.

۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی (ره)، صحیفهٔ امام، ج ۱۴، ص ۱۳۵.

۵. مصاحبه حضرت امام با رادیو تلویزیون فرانسه در ۲۳ شهریور ۱۳۵۷، به نقل از: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمینی (ره)، صحیفهٔ امام،

ج ۳، ص ۴۶۸.

استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

همه چیزمان باید مستقل بشود. استقلال با وابستگی جمع نمی‌شود و ما [اگر] فرهنگمان وابسته بشود، استقلال نداریم؛ اقتصادمان وابسته بشود، استقلال نداریم. اول باید آن مطلب را درستش کرد: استقلال اقتصادی. اول باید او را درستش کرد تا ما بتوانیم اسم خودمان را یک مملکت بگذاریم.<sup>۶</sup>

## ۲- استقلال نظامی

قوای نظامی هر کشور ستون اقتدار هر کشور تلقی می‌شود. شاهان پهلوی با خرید انواع تسلیحات غربی، به‌ویژه از آمریکا، سعی در تقویت نیروی نظامی ایران داشتند؛ ولی در واقعیت، غربی‌ها با فروش انواع سلاح‌های خود با چندبرابر قیمت به ایران، قصد به‌تاراج بردن ذخایر این ملت را داشتند و از سویی دیگر، آن‌ها ایران را انباری از مهمات کرده بودند و در مواقع مختلف، بدون اجازه ایران، از آن‌ها استفاده می‌کردند. برای نمونه اسدالله علم در خاطرات روز دوشنبه ۱۵ شهریور ۱۳۵۵ درباره گران کردن تجهیزات نظامی چنین نوشته است:

... شاه گفت: «با وجود این که سازنده کتباً تایید کرده است که قیمت هر هواپیما ۶/۵ میلیون دلار است، چطور آن را به ۱۸ میلیون دلار افزایش دهند؟!...» در پاسخ گفتم: «همان کاری که در مورد ناوشکن‌های اسپروانس کردند: ۶ فروند این کشتی‌ها ۲۸۰ میلیون دلار برآورد شده بود؛ اما ما مجبور شدیم ۶۰۰ میلیون دلار بپردازیم!... به نظر می‌رسد که پنتاگون در بالا کشیدن مابقی ناچیز درآمد نفتی ما وقت را تلف نمی‌کند.»<sup>۷</sup>

جمهوری اسلامی به‌عنوان طلایه‌دار جبهه مقاومت در منطقه، توانسته است در طول جنگ تحمیلی هشت‌ساله، جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله، جنگ ۲۲ روزه، فتنه داعش و... در مقابل کشورهای بزرگ استعماری، قدرت نظامی و سیاسی خود را نشان دهد و امروزه، همگان به رشد روزافزون نفوذ این کشور در منطقه اعتراف می‌کنند.

## ۳- استقلال اقتصادی

مصادیق وابستگی پهلوی به غرب متعدد بوده است؛ از این‌رو به‌صورت مختصر چند نمونه را بیان می‌کنیم.  
ژنرال ویلیامسون، رئیس هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران، در پایان مأموریت دوساله خود می‌گوید:

<sup>۶</sup>. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۳۸ و ۴۳۹.

<sup>۷</sup>. اسد الله علم، یادداشت‌های علم، ج ۶، ص ۲۳۷.

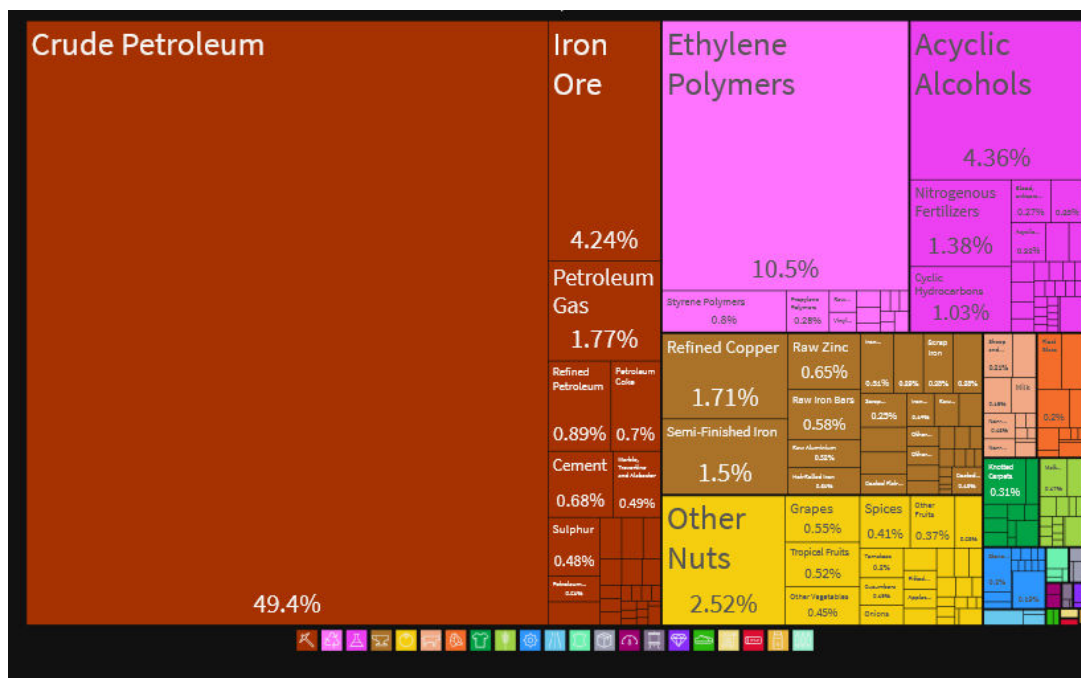
استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

این دو سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳م، به‌نظرم دویست سال طول کشید که در این مدت، درمورد ۷۰۰ قرارداد به‌ارزش تقریبی ۴میلیارد دلار مذاکره کردم... ایران مرکز معامله خوبی بود. این کشور بوفه بازرگانان نام گرفته بود. این بوفه بسیار بسیار خوب بود و منافع تجاری در آن فوق‌العاده بود.<sup>۸</sup>

مایکل لدین نیز نوشته است:

«در برابر هر دلاری که ایالات متحده برای خرید نفت ایران خرج می‌کرد، ایرانی‌ها دو دلار برای خرید تجهیزات نظامی و سایر کالاها به ایالات متحده برمی‌گرداندند.»<sup>۹</sup>

حکومت پهلوی مخارج خود و کشور را از راه فروش نفت خام تأمین می‌کرد؛ از این رو به قیمت نفت و افت‌وخیز بازارهای جهانی به‌شدت وابسته بود. جمهوری اسلامی با رویکرد مبارزه با وابستگی به نفت، توانست روزبه‌روز وابستگی خود به نفت را کاهش دهد؛ به‌نحوی که در سال ۱۹۷۶م (۱۳۵۵ش) نزدیک به ۹۳درصد از صادرات ایران، سهم نفت خام بوده است و جمهوری اسلامی توانست در سال ۲۰۱۹م (۱۳۹۸ش) این سهم را به حدود ۴۹ درصد کاهش دهد.



تصویر ۱: نمایش رتبه‌بندی تنوع کالاهای صادرشده ایران در سال ۲۰۱۹م

<sup>۸</sup> جیمز بیل، عقاب و شیر، ص ۳۲۷.

<sup>۹</sup> مایکل لدین و ویلیام لوئیس، کارتر و سقوط شاه، ص ۳۰.

لینک سایت :

<https://oec.world/en/profile/country/ir>

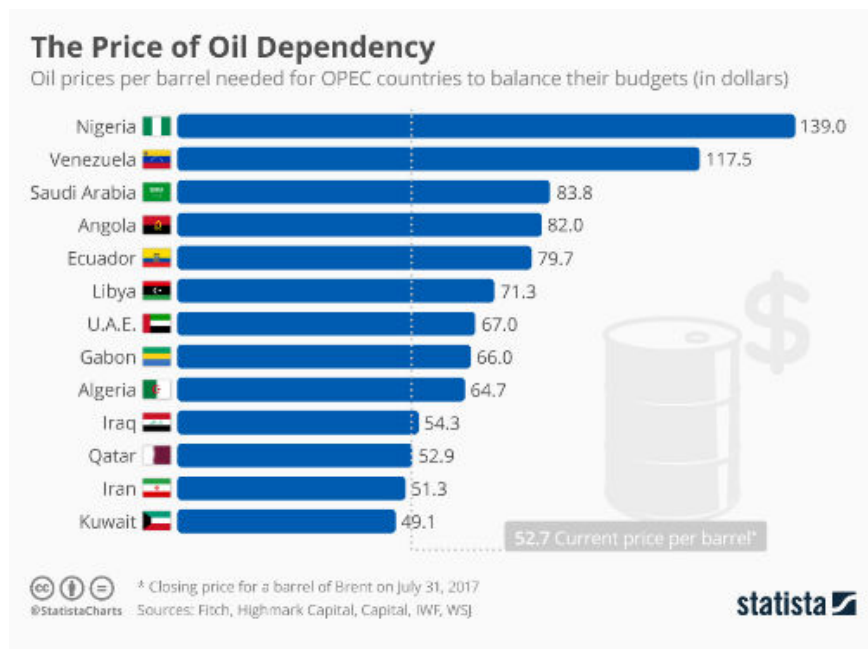


تصویر ۲: نمایش رتبه‌بندی تنوع کالاهای صادرشده ایران در سال ۱۹۷۶م

لینک سایت :

[https://atlas.media.mit.edu/en/visualize/tree\\_map/sitc/export/irn/all/show/۱۹۷۶/](https://atlas.media.mit.edu/en/visualize/tree_map/sitc/export/irn/all/show/۱۹۷۶/)

از مشکلات کشورهای نفت‌خیز، وابستگی بیش‌ازحد به قیمت نفت است؛ از این رو کشورهای تولیدکننده نفت همواره سعی در کاهش وابستگی به قیمت جهانی نفت دارند. تصویر ۳، وابستگی کشورهای عضو اُپک به نفت را نشان می‌دهد. این اطلاعات که مربوط به سال ۲۰۱۷م است، نشان می‌دهد که کشور عربستان سعودی برای اینکه کسری بودجه نداشته باشد، باید نفت خود را به قیمت ۸۳.۸ دلار بفروشد و کشور ایران هر بشکه نفت خود را به قیمت ۵۱.۳ دلار؛ این درحالی است که هر بشکه نفت اُپک، ۵۲.۷ دلار قیمت داشته است و در این صورت، ایران دچار افزایش ذخیره ارزی شده و کشورهای عربستان و نیجریه و... به کسری بودجه دچار شده‌اند.



تصویر ۳: نمودار وابستگی کشورهای ایک به قیمت نفت در سال ۲۰۱۷ م

لینک سایت:

<https://www.statista.com/chart/1049/oil-prices-per-barrel-needed-for-opec-countries-to-balance-their-budgets/>

## ۴- استقلال فرهنگی

استحاله فرهنگ غنی مردم مسلمان ایران در رأس تمام فعالیت‌های فرهنگی دوران پهلوی قرار داشت. در این دوران، غرب توسط پهلوی‌ها و درباریان، به‌عنوان الگویی بی‌بدیل برای تبعیت به مردم معرفی می‌شد؛ برای نمونه، میرزاملکم‌خان که پدر روشن‌فکری و پایه‌گذار لژهای فرماسونری در ایران است، نوشته است: «من همین قدر می‌گویم که ما در مسائل حکمرانی، نه می‌توانیم و نه باید از پیش خود اختراعی نماییم. یا باید علم و تجربه فرنگستان را سرمشق خود قرار بدهیم، یا باید از دایره بربری‌گری خود قدمی بیرون نگذاریم.»<sup>۱۰</sup>

در گزارش عملکرد سال ۱۹۶۲م، کمیسیون مبادلات فرهنگی و آموزشی ایران و آمریکا که در سال ۱۳۰۴ به ریاست محمدعلی فروغی تأسیس شد، به‌طور مشخص از اهدافی از این دست نام برده شده است: معرفی آمریکا به‌عنوان ملتی قوی و دموکراتیک و پویا و معرفی ارزش‌ها و شیوه زندگی آمریکایی، به‌عنوان الگوی آرمانی ایرانیان.<sup>۱۱</sup>

۱۰. محمد محیط طباطبایی، مجموعه آثار میرزاملکم‌خان، ص ۱۰.

۱۱. نک: "انجمن ایران و آمریکا"، فصلنامه مطالعات تاریخی، ش ۹، پاییز ۱۳۸۴، ص ۱۵.

استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

فسادهای بی‌شمار دربار و ترویج بی‌بندوباری در اکثر نقاط کشور، در دستور کار حکومت قرار گرفت و هم‌وغم پهلوی از بین بردن اسلام در کشور ایران بود. ابتذال و بی‌بندوباری افسارگسیخته پهلوی، حتی از کشورهای اروپایی نیز بیشتر بوده که از مصادیق آن می‌توان به جشن هنر شیراز و ازدواج هم‌جنس‌بازان اشاره کرد.

آنتونی پارسونز در دیدار با شاه برای نشان دادن عمق فاجعه‌ای که در جشن هنر شیراز می‌گذشت، به او می‌گوید:

جشن هنر سال ۱۳۵۶ شیراز، از نظر کثرت صحنه‌های اهانت‌آمیز به ارزش‌های اخلاقی ایرانیان، از جشن هنر پیشین فراتر رفته بود. به‌عنوان مثال... یکی از صحنه‌هایی که در پیاده‌رو اجرا می‌شد، تجاوز به عنف بود که به‌طور کامل، نه به‌طور نمایشی و وانمودسازی، به‌وسیله یک مرد کاملاً عریان یا بدون شلوار، درست به خاطر ندارم، با یک زن که پیراهنش به‌وسیله مرد متجاوز چاک داده می‌شود، در مقابل چشم همه صورت گرفت؛ ولی موضوع به شیراز محدود نشد و طوفان اعتراض که علیه این نمایش برخاست، به مطبوعات و تلویزیون هم رسید. من به این خاطر، موضوع را با شاه در میان گذاشته و به او گفتم: «اگر چنین نمایشی، به‌طور مثال در شهر وینچستر انگلیس اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم به‌در نمی‌بردند!» شاه مدتی خندید و چیزی نگفت...<sup>۱۲</sup>

یکی از وقایعی که واقعاً مردم را به خشم آورد، به ماجرای ازدواج دو پسر در سال ۱۹۶۸ مربوط می‌شد که فرزندان دو ژنرال سرشناس بودند و اتفاقاً یکی از آنها، کیوان خسروانی، به‌عنوان طراح لباس شهبانو فرح معروفیت داشت. این ازدواج غیرعادی در هتل کمودور تهران صورت گرفت و پایتخت کشور شاهنشاهی ایران درحالی شاهد این رویداد بود که هم احکام اسلام به ممنوعیت هم‌جنس‌بازی صراحت داشت و هم در اکثر کشورهای اروپایی، هنوز هم‌جنس‌بازی اقدامی غیرقانونی تلقی می‌شد!<sup>۱۳</sup>

خلاصه تمام اقدامات رژیم پهلوی را می‌توان در جمله ژان لوروریه، روزنامه‌نگار فرانسوی یافت که می‌نویسد: «اگر در کوچه و خیابان از ایرانیان بپرسید که چرا رژیم را مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌دهند و جواب آنها را جمع کنید، فساد و انحطاط اخلاقی رژیم در ردیف اول پاسخ آنها خواهد بود.»<sup>۱۴</sup>

اما انقلاب اسلامی در نخستین روزهای تأسیس، اسلامی کردن امور را اصلی مهم در فعالیت‌های فرهنگی قرار داد. انقلاب فرهنگی به‌منظور پاک‌سازی دانشگاه‌ها، تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، تألیف کتب متناسب با فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و... از جمله اقدامات مهم و کلیدی نظام در راستای ترویج فرهنگی اسلامی ایرانی به‌شمار می‌رود.

<sup>۱۲</sup>. آنتونی پارسونز، غرور و سقوط؛ خاطرات سفیر سابق انگلیس در ایران، ص ۹۱.

<sup>۱۳</sup>. نک: مینو صمیمی، پشت پرده تخت طاووس، ص ۵۲ تا ۴۹.

<sup>۱۴</sup> ایران بر ضد شاه، ژان لوروریه و احمد فاروقی، ترجمه مهدی نراقی، ص ۱۰۳.

استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

استقلال فرهنگی کشور تا به آن حد ارتقا یافت که انقلاب اسلامی، ایران را از کشوری متأثر از فرهنگ مبتذل غربی در اواخر دوران پهلوی، به کشوری مؤثر در سال‌های اخیر تبدیل کرده است. فرهنگ غنی کشور که در سایه انقلاب اسلامی رشد و نمود یافته، توانسته است در قلب کشورهای غربی و استعماری نفوذ کند و دل‌های بسیاری را مشتاق تفکر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی کرده است. از جمله اقدامات دولت‌های غربی برای نفوذ فرهنگی در کشور و اضمحلال فرهنگ اصیل اسلامی ایرانی، می‌توان تدوین برنامه‌های مختلفی از قبیل سند ۲۰۳۰ را نام برد که جمهوری اسلامی با شناخت دقیق این سند، با تصویب آن در کشور مخالفت کرد تا مانع رسوخ فرهنگی بیگانگان در کشور شود.

## ۵- استقلال سیاسی

انتخاب و انتصاب مسئولین، ابتدایی‌ترین حق یک کشور محسوب می‌شود. در دوران پهلوی به حدی بود که انتخاب نخست‌وزیر و سایر مسئولین باید با نظر مستقیم غرب انجام می‌شد. رجال سیاسی وابسته به غرب، از خود رضا خان و محمدرضا گرفته تا عناصر مختلف دربار، نکته‌ای تأمل‌برانگیز در وابستگی بی‌چون‌وچرای رژیم پهلوی است. افشای این واقعیت از زبان عناصر دربار، بهترین سند برای وجود وابستگی در سران پهلوی است. وابستگی رضاشاه به حدی بود که فردوست، رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی و یکی از برجسته‌ترین و مؤثرترین چهره‌های سیاسی-اطلاعاتی دوران حکومت پهلوی می‌نویسد:

«رضاخان یک عامل انگلیس بود و در این تردیدی نیست. کودتای ۱۲۹۹ طبق اسنادی که دیده‌ام و یا شنیده‌ام، در ملاقات ژنرال آبرونساید انگلیسی با رضا، در حضور سیدضیاءالدین برنامه‌ریزی شد و پس از آنکه کودتا صورت گرفت، قریب پنج سال طول کشید تا رضاخان به سلطنت رسید. در این مدت رضاخان سردار سپه و وزیر جنگ و نخست‌وزیر شد. شاپور جی روزی کتاب محرمانه‌ای را به من نشان داد که در یک بند آن نوشته شده بود: «نایب‌السلطنه هندوستان (قائم‌مقام دولت انگلیس) می‌خواست فرد مناسبی را برای اداره ایران پیدا کند و به دستور او، پدر شاپورجی، این فرد را که رضاخان بود، پیدا کرد و به نایب‌السلطنه معرفی نمود. منظور شاپورجی این بود که سلطنت پهلوی به دست پدر او تأسیس شده است...»<sup>۱۵</sup>

محمدرضا پهلوی در کتاب «انقلاب سفید» در خصوص اعمال نفوذ بیگانگان در مهم‌ترین رکن کشور، در دوران پدرش و بعد از آن، اعترافی نموده که قابل توجه است:

<sup>۱۵</sup> ظهور و سقوط پهلوی، حسین فردوست، ج ۱، ص ۸۲



استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

«... بعد از رفتن پدرم (شهریور ۱۳۲۰) مدتی مدید، کارها در ظاهر به دست یک عده ایرانی، ولی در عمل، قسمتی به دست سفارت انگلستان و قسمت دیگر به دست سفارت روس انجام می‌گرفت، و به طوری که در کتاب «مأموریت برای وطنم» شرح دادم، صبح مستشار سفارت انگلستان با یک لیست انتخاباتی به سراغ مراجع مربوطه می‌آمد و عصر همان روز، کاردار سفارت روس با لیست دیگری می‌آمد... متأسفانه من بیست سال تمام از دوران سلطنت خودم، با چنین مجلس‌هایی سر و کار داشتم و همیشه می‌دیدیم که در آنها در برابر اقدامی اصلاحی که متضمن نفع اکثریت ملت بود، ولی به نحوی از انحاء به منافع اقلیت حاکمه لطمه می‌زد، سدی از مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها پدید می‌آمد که آن اقدام را خنثی و بی‌اثر می‌کرد»<sup>۱۶</sup>

این وابستگی‌ها فقط به دوران رضا شاه، خلاصه نمی‌شود بلکه در دوران سلطنت محمد رضا نیز با شدت ادامه داشت. اردشیر زاهدی داماد شاه و آخرین سفیر او در آمریکا می‌نویسد:

«باید عرض کنم که انتصاب هویدا به نخست‌وزیری اگر چه ظاهراً اتفاقی صورت گرفت اما هویدا نخست‌وزیری بود که آمریکا، انگلستان و اسرائیل روی او توافق کرده بودند و به همین دلیل اعلیحضرت با آن که چند بار کوشید تا هویدا را کنار بگذارد و من یا اسدالله علم و یا هوشنگ انصاری را مأمور تشکیل کابینه نماید، موفق نشد.»<sup>۱۷</sup>

البته این خاطرات مطلب عجیبی نیست زیرا شاهی که خود، توسط بیگانگان انتخاب شده باشد، طبیعی است که وزیرانش نیز باید وابسته باشند. حسین فردوست در بخشی از خاطرات خود با اشاره به ملاقاتش با ترات، رئیس اطلاعات انگلیس در ایران و ناراحتی او از اینکه محمدرضا به رادیوهای آلمان گوش می‌کند و از روی نقشه‌های آن‌ها جنگ جهانی دوم را دنبال می‌کند، می‌گوید:

پس از بازگشت، جریان را به محمدرضا گفتم. او شدیداً جا خورد و پرسید: «انگلیسی‌ها از کجا می‌دانند که من به رادیو گوش می‌دهم؟... فردا اول وقت، با ترات تماس بگیر و بگو محمدرضا نقشه‌ها را پاره کرد و به هیچ رادیویی هم گوش نخواهد کرد؛ مگر رادیوهایی که ترات اجازه دهد!»<sup>۱۸</sup>

<sup>۱۶</sup> انقلاب سفید، محمد رضا پهلوی، فصل اصلاح قانون انتخابات، ص ۱۰۷

<sup>۱۷</sup> ۲۵ سال در کنار شاه، اردشیر زاهدی، ص ۲۱۷-۲۱۸

<sup>۱۸</sup> نک: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ خاطرات حسین فردوست، ج ۱، ص ۱۰۰ تا ۱۰۴.

استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

طبق تحقیقات سنای ایالات متحده، تعداد مستشاران آمریکایی در ایران که در سال ۱۹۷۲، ۱۶ هزار نفر بود، در سال ۱۹۷۶ به ۲۴ هزار نفر افزایش یافته بود.<sup>۱۹</sup> در گزارش سنا هم آمده بود که تعداد آمریکایی‌ها در ایران، می‌بایست به واسطه خرید بیشتر اسلحه از آمریکا، تا سال ۱۹۸۰ به ۶۰ هزار نفر برسد.<sup>۲۰</sup>

حال با ظهور انقلاب اسلامی، وابستگی‌های سیاسی و اداری ایران از کل کشورهای دنیا قطع شد و شعار راهبردی ایران، یعنی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به گوش تمام کشورهای جهان رسید.

مردم ایران با جمهوری اسلامی، معنای واقعی استقلال در انتخاب مسئولین و سیاست‌گذاران کشور را درک کرده و به بیگانگان مجال دخالت در امور سیاسی کشور را ندادند. روابط خارجه ایران نیز درخور توجه بوده و ایران قبل از انقلاب را که صرفاً پیاده‌نظام دولت‌های غربی در منطقه بود، امروز اثرگذارترین کشور منطقه و بعضاً دنیا می‌دانند. طبق گزارش آمریکن اینترست، ایران هفتمین قدرت در دنیا شناخته شده است.



## 7. Iran

The proxy wars between Saudi Arabia and Iran continued unabated throughout 2016, and as we enter the new year Iran has confidently taken the lead. Saudi Arabia remains a formidable power, but it was Iran that pulled ahead in the last 12 months.

تصویر ۴: گزارش آمریکن اینترست درباره ۸ قدرت برتر دنیا در سال ۲۰۱۷ که ایران در جایگاه هفتم دنیا قرار گرفته است.

لینک سایت:

<https://www.the-american-interest.com/2017/01/24/the-eight-great-powers-of-2017>

## پاسخ به دو شبهه

هنگامی که بحث استقلال در جمهوری اسلامی مطرح می‌شود - به واسطه حجم عظیم شبهات از سوی دشمنان نظام - شبهات مختلفی مطرح می‌شود که ما در اینجا به دو مورد آن اشاره خواهیم کرد

<sup>۱۹</sup>. نک: علی سلیمان‌پور و امیر اکبری، «روابط خارجی ایران و آمریکا در آستانه انقلاب اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ، س ۱۱، ش ۴۲، بهار ۱۳۹۵، ص ۱۲۹ تا ۱۴۸.

<sup>۲۰</sup>. نک: ابراهیم سنجر، نفوذ آمریکا در ایران، ص ۱۲۱.

### برنامه جامع همکاری (۲۵ساله) ایران و چین

یکی از شبهات درباب استقلال ایران برنامه جامع همکاری های ۲۵ساله ایران و چین است که برخی اینگونه القاء می کنند که ایران به چین فروخته شد.

جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران، دو تمدن کهن آسیایی و دو شریک نزدیک در عرصه های تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی هستند با دیدگاهها و منافع مشترک بسیار در عرصه دو جانبه و چند جانبه که یکدیگر را شریک راهبردی و استراتژیک خویش تلقی می کنند. به رسمیت شناختن مشترکات فرهنگی، چند جانبه گرایی، حمایت از حق ملت ها برای برخورداری از حق حاکمیت برابر و مدل توسعه بومی خود و اشتراک دیدگاه های مشابه در مورد مسائل مختلف جهانی، موجب گسترش روابط دو کشور به سطح راهبردی مبتنی بر منافع متقابل شده است.

مشارکت جامع راهبردی بین جمهوری خلق چین و جمهوری اسلامی ایران که در ژانویه ۲۰۱۶ میلادی منتشر شده است، بر ضرورت ایجاد مکانیزم و فراهم آوردن زیر ساخت های لازم برای توسعه همکاری ها در یک چشم انداز ۲۵ساله تأکید می کند. در مشارکت راهبردی جامع چین-ایران مبتنی بر رویکرد منافع متقابل در زمینه دو جانبه، منطقه ای و بین الملل، با در نظر داشتن ظرفیت های عظیم همکاری، طرفین برای دسترسی به اهداف مختلفی همکاری خواهند کرد

#### اهداف، اصول و ویژگی های برنامه همکاری راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین

اهداف:

ارتقای عملی روابط در سطح مشارکت جامع راهبردی بر اساس اعلامیه دو رئیس جمهوری در بهمن ۱۳۹۴

نقشه راه و افق بلندمدت روابط در عرصه های مختلف برای تحقق مشارکت جامع راهبردی و ارتقای عملی آن

فراهم ساختن بستری مناسب برای توسعه همه جانبه همکاری ها در عرصه های تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی و امنیتی میان دو تمدن کهن آسیایی

اصول:

احترام متقابل و پیگیری منافع مشترک به صورت برد - برد در روابط دو جانبه، منطقه ای و بین المللی

به رسمیت شناختن اشتراکات فرهنگی، تقویت چندجانبه گرایی، حمایت از حق دولت ها برای برخورداری از حق حاکمیت برابر و بومی بودن مدل توسعه

ویژگی ها:

اشتراک نظر دو کشور در ارتباط با بسیاری از مسائل منطقه ای و بین المللی به ویژه مبارزه با یکجانبه گرایی

برنامه سیاسی، راهبردی، اقتصادی و فرهنگی برای ترسیم چشم انداز ۲۵ ساله همکاری دو کشور

سیاسی - راهبردی

ارتقای تبادلات، رایزنی و همکاری در نهادهای منطقه ای و بین المللی

همکاری و تقویت زیرساخت های دفاعی و مقابله با تروریسم

اقتصادی

پیوند دادن ایران به زنجیره ارزش محور از طریق تکمیل زنجیره های مکمل داخلی

تولید مشترک به منظور تامین بازارهای داخلی دو کشور و کشورهای ثالث با بهره برداری از ظرفیت های دو کشور

همکاری در حوزه های نفت، صنعت، معدن و حوزه های مرتبط با انرژی (نیرو، انرژی های تجدیدپذیر و ...) مبتنی بر دغدغه های توسعه ملی پایدار و زیست محیطی

مشارکت موثر ایران در ابتکار کمربند - راه

همکاری در زمینه های زیرساختی، ارتباطی (ریلی، جاده ای، بندری و هوایی)، مخابراتی، فناوری، علمی، آموزشی و بهداشتی

تسهیل همکاری های مالی - بانکی، گمرکی و مقررات زدایی

همکاری در توسعه مناطق ویژه و آزاد تجاری و صنعتی از جمله در سواحل مکران

تقویت همکاری های غیرنفتی با تمرکز بر حوزه دانش بنیان

تسهیل همکاری ها در زمینه سرمایه گذاری و تامین مالی پروژه ها و همکاری های اقتصادی

تسهیل همکاری های بخش خصوصی از طریق رفع موانع همکاری

فرهنگی

افزایش شناخت متقابل از طریق ارتقاء تبادلات مردمی، گردشگری، رسانه ای، سازمان‌های مردم نهاد، انجمن‌های دوستی و همکاری دانشگاهی

سرمایه‌گذاری و کمک به تکمیل زیرساخت‌های لازم برای ارتقاء همکاری‌های فرهنگی در حوزه‌های مختلف از جمله صنعت گردشگری<sup>۲۱</sup>

### تصویرات و القاءات خلاف واقع درباره برنامه راهبردی ۲۵ ساله

۱. این سند قرارداد و معاهده نیست.
۲. این سند هیچ تعهدی برای هیچیک از طرفین ایجاد نمی‌کند؛ بلکه چشم انداز روابط را ترسیم می‌کند.
۳. بر اساس تفسیر حقوقی دولت و شورای عالی امنیت ملی، این سند طبق قانون اساسی و به دلیل ایجاد نکردن هیچگونه تعهدی نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی نیست ولی نسخه ای از آن برای رییس مجلس شورای اسلامی ارسال شده است.
۴. انتشار این سند همچون اسناد مشابه نیازمند توافق هر دو طرف امضاکننده است و عدم انتشار عمومی چنین سند‌های راهبردی متداول و معمول است.
۵. این سند حاوی هیچ عدد و رقمی درخصوص همکاری‌ها اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، راهبردی و یا سرمایه‌گذاری و منابع مالی و پولی نیست.
۶. به این سند هیچ منطقه ای و یا حتی نقطه ای را واگذار نمی‌کند و هیچ حق انحصاری در هیچ حوزه ای ایجاد نمی‌نماید.
۷. مدیریت، اداره و یا بهره برداری از هیچ منطقه و یا حوزه‌ای واگذار نشده است.
۸. استقرار هیچ نیروی نظامی در این سند پیش بینی نشده و هیچ امکانی برای در اختیار گرفتن پایگاه وجود ندارد.
۹. این سند در مخالفت با هیچ طرف ثالث و یا برای مداخله در امور هیچ کشوری نیست.

## **دریای خزر**

یکی دیگر از شبهه‌اتی که در باب ارتقای استقلال جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود واگذاری ۳۲ درصد از دریای خزر توسط ایران به روسیه است!

واگذاری سهم ایران از دریای خزر و عقب نشینی جمهوری اسلامی از حقوق ملت خود، شبهه ای است که غالباً پیرامون موضوع حفظ تمامیت ارضی و استقلال ایران طرح می‌شود.

---

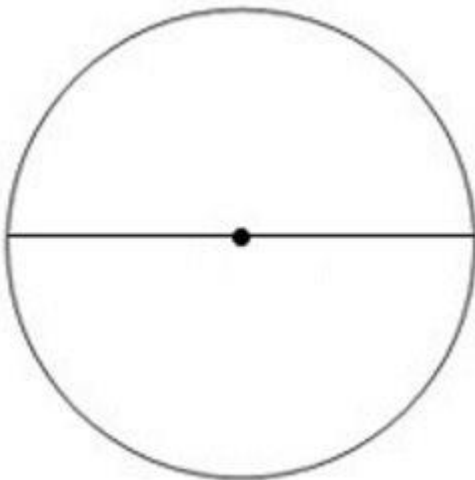
<sup>۲۱</sup> برای مطالعه بیشتر می‌توانید به ویرایش نهایی برنامه جامع همکاری (۲۵ ساله) ایران و چین، ارایه شده توسط وزارت خارجه مراجعه نمایید.

استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

«ایران و شوروی سابق، به عنوان دو کشور ساحلی دریای خزر، هر کدام مالک ۵۰ درصد از این دریا بوده‌اند و در معاهده ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ نیز که بین دو کشور امضا شده است، این مالکیت ۵۰ درصدی به رسمیت شناخته شده است ولی جمهوری اسلامی از حقوق ملت ایران و مالکیت ۵۰ درصدی ایران بر خزر عقب‌نشینی کرده‌اند و قرار است سهم ایران، به ۱۱ تا ۲۰ درصد کاهش یابد».

برای درک نادرستی این ادعا کافی است مسئله را به صورت منطقی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم:

اگر دریای خزر یک دریای دایره شکل بود و ایران و شوروی در دو طرف این دایره به طور مساوی ساحل داشتند، طبق منطق و مقررات بین‌المللی، مالکیت هر کدام بر این دریا، ۵۰ درصد بود و هر گونه تغییری در جغرافیای سیاسی شوروی نمی‌توانست به سهم ۵۰ درصدی ایران خللی وارد کند.



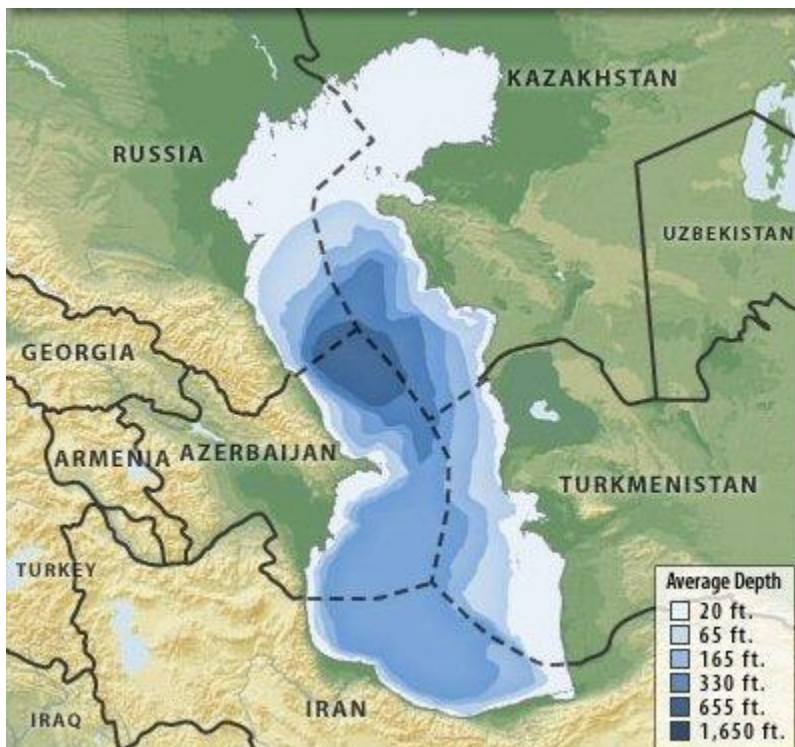
اما واقعیت مسأله بر روی نقشه جغرافیا مقابل چشمان ماست: خزر ۶۵۰۰ کیلومتر ساحل دارد. در گذشته، از این میزان، ۵۸۴۳ کیلومتر متعلق به شوروی بود و تنها ۶۵۷ کیلومتر از آن برای ایران بوده است. حال چگونه و بر اساس کدام منطق عقلی و قاعده بین‌المللی می‌توان پذیرفت کشوری که ۹ برابر دیگری ساحل دارد، سهمی مساوی از دریا داشته باشد.

نقشه دریای خزر را ببینید! حالا یک خودکار بردارید و خط مرزی دریای خزر بین ایران و سایر کشورهای ساحلی را طوری ترسیم کنید که ۵۰ درصدش به ایران برسد. می‌بینید که اساساً و حتی روی کاغذ هم نمی‌توان این تقسیم‌بندی را انجام داد.

هم‌اکنون که اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشیده و در آن سوی خزر به جای یک کشور با ۴ کشور روسیه، قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان مواجه هستیم، سهم ایران همچنان همان ۶۵۷ کیلومتر ساحلی است و میزان مالکیت ایران بر دریا نیز، بر اساس همین میزان سهم از ساحل، به جای خود باقی است. الباقی دریا نیز بر اساس سهم ۵۸۴۳ کیلومتری شوروی سابق، بین ۴ کشور دیگر تقسیم می‌شود و سهمی از ایران کم نمی‌شود.

## استقلال ایران؛ از پهلوی تا انقلاب اسلامی

از طرفی بد نیست بدانیم کمترین میزان ساحل در خزر متعلق به ایران است: قزاقستان ۱۹۰۰ کیلومتر، ترکمنستان ۱۷۶۸ کیلومتر، روسیه ۱۳۵۵ کیلومتر، آذربایجان ۸۲۰ کیلومتر و ایران ۶۵۷ کیلومتر. با این حساب حدود ۱۰ درصد از ساحل دریای خزر متعلق به ایران است. لذا چگونه ممکن است ۵۰ درصد از دریای خزر متعلق به ایران باشد!



پس از روشن شدن این مسأله، مغالطه دیگری توسط برخی افراد نامطلع صورت می گیرد این است که: «درست است که ایران کمترین سهم ساحل را در خزر دارد ولی ایران و شوروی در سالهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ معاهداتی داشته‌اند که طبق آنها مالکیت خزر به ۲ قسمت ۵۰ درصدی تقسیم شده است».

راستی‌آزمایی این ادعا اصلاً کار سختی نیست. کافی است به متن این دو معاهده مراجعه کرد؛ در هیچ بندی از این دو معاهده، کوچک‌ترین اشاره‌ای به مالکیت ۵۰ درصدی دو کشور نشده است:

- در معاهده ۱۹۲۱ حق کشتیرانی ایران در خزر به رسمیت شناخته شده است. بر اساس معاهده ترکمانچای ایران از حق کشتیرانی در خزر ممنوع شده بود که دولت جدید شوروی در آن دوران، با معاهده ۱۹۲۱ این حق را به ایران برگرداند.

- مواد دیگر معاهده ۱۹۲۱ و معاهده ۱۹۴۰ درباره بهره‌برداری از شیلات، عوارض بندری، نحوه حمل و نقل مسافر و بار و نظایر این‌ها سخن می‌گوید.

برای روشن شدن موضوع و بازی رسانه ای اجرا شده حول این موضوع ذکر این نکات ضروری است:

نخست؛ پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۸ و تغییر در حاکمیت شوروی، موافقتنامه ۱۹۲۱ میان ایران و شوروی منعقد شد و حق انحصاری روس‌ها برای کشتی رانی در خزر، که در عهدنامه ننگین ترکمنچای به شوروی واگذار شده بود، لغو شد. لذا ایران نیز دارای حق کشتیرانی، بدون ذکر هیچ درصد و سهم مشخصی گردید. در ادامه نیز در سال ۱۹۴۰ میلادی، توافق جدیدی میان ایران و شوروی صورت گرفت که طی آن تا فاصله ۱۰ مایلی از سواحل، آب‌های تحت حاکمیت کشورها عنوان شد و الباقی دریا به صورت مشاع در نظر گرفته شد. لذا، هیچ سهمی مبنی بر ۵۰ درصد عنوان نشده بود و عبارت «مشاع» بدون هیچ مبنای علمی به عنوان سهم ۵۰ درصدی ایران تفسیر می‌شود.

دوم؛ اختلاف اصلی که امروزه در خزر وجود دارد، پیرامون استفاده از منابع بستر و زیربستر است. لذا، در مورد کشتی رانی (که موضوع اصلی کنوانسیون‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ بود) همچنان اختلاف چندانی وجود ندارد؛ در زمانی که اصلاً مقوله انرژی در خزر موضوعیت نداشت، عهدنامه‌های مذکور با شوروی به امضا رسید. لذا، مقایسه شرایط امروز با آن زمان، آن هم در شرایطی که یک گزاره مهم و مبنایی وجود نداشته است، یک مقایسه از اساس باطل است.

سوم؛ در توافق اخیر مابین ۵ کشور حوزه خلیج فارس در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ که با نام «کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر»<sup>۲۲</sup> شناخته می‌شود و شبهات اخیر به بهانه آن منتشر شده است نیز، در بند اول از ماده ۸ به وضوح بیان شده است که:

**«تعیین حدود بستر و زیربستر دریای خزر به بخش‌ها باید از طریق توافق بین کشورهای با سواحل مجاور و مقابل، با در نظر گرفتن اصول و موازین عموماً شناخته‌شده حقوق بین‌الملل به منظور قادر ساختن آن دولت‌ها به اعمال حقوق حاکمه خود در بهره‌برداری از منابع زیربستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی مشروع مرتبط با توسعه منابع بستر و زیربستر انجام شود...».**

از طرفی در ماده ۱ این کنوانسیون که به تعریف اصطلاحات می‌پردازد، در توضیح اصطلاح «خطوط مبدأ مستقیم» تصریح می‌کند:

**«خطوط مبدأ مستقیم»** — خطوط مستقیمی است که نقاط مربوط / مناسب را بر روی خط ساحلی به یکدیگر وصل می‌کند و خط مبدأ را در مکان‌هایی که خط ساحلی مضرّس می‌باشد یا در مکانی که در آن حاشیه‌ای از جزایر در امتداد ساحل و در مجاورت نزدیک آن قرار دارد، تشکیل می‌دهد. روش تعیین خطوط مبدأ مستقیم باید در موافقتنامه جداگانه‌ای بین همه طرف‌ها تعیین شود.».

لذا می‌بینیم که در این دو بند از کنوانسیون، صریحاً اعمال حقوق حاکمه دولت‌ها و همچنین تعیین خطوط مبدأ مستقیم موکول به موافقت نامه‌های دیگر و مشروط به پذیرش طرفین شده است. لذا، اصولاً ادعا در مورد واگذاری سهم ایران از دریای خزر و به رسمیت شناخته شدن توافق کشورهای شمال درباره سهم هر یک از خزر، بی‌پایه و اساس است.

<sup>۲۲</sup> <http://dolat.ir/detail/۳۱۱۳۵۵>



در حالت عادی بر اساس حقوق بین‌الملل دریاها سهم هر کشور از منابع دریا چیزی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ مایل دریایی است (که تقریباً به نفع ایران و روسیه است). اما در صورت بروز مناقشه، سه فرمول منطقی برای تقسیم بندی دریا وجود دارد که عبارت اند از:

فرمول اول: تقسیم دریا بر مبنای طول خط ساحلی (به نفع قزاقستان با بیشترین طول خط ساحلی و به ضرر ایران با کمترین طول ساحل)

فرمول دوم: تقسیم بر اساس مساحت کف دریا (به نفع روسیه با بیشترین مساحت محصور)

فرمول سوم: تقسیم به مساوات (بهترین حالت برای ایران با سهم ۲۰ درصدی) و این تنها در صورتی پذیرفته می‌شود که کشوری مانند قزاقستان که ۱۹۰۰ کیلومتر از سواحل خزر را در اختیار دارد، رضایت دهد که از حق خود بگذرد و با ایرانی که ۶۷۵ کیلومتر دارد، حق‌السهم یکسانی در خزر داشته باشد.

تمام بحث‌ها بر سر رژیم حقوقی دریای خزر بر سر پذیرش یکی از سه فرمول بالا در جریان است که البته ایران با وجود اینکه طبق دو فرمول اول حدود ۸ تا ۱۰ درصد سهم خواهد داشت و به رغم مقاومت شدید کشورهای همسایه (به ویژه آذربایجان)، تا کنون موفق شده است تا محدوده ۱۸ درصدی، مقتدرانه اعمال حاکمیت کند.

در سال ۱۹۹۸ سه کشور روسیه، آذربایجان و قزاقستان ۶۴ درصد را بین خود تقسیم و مابقی را به ایران و ترکمنستان سپردند که مورد موافقت ایران قرار نگرفت؛ لذا ترکمنستان نیز در این مطالبه به ایران پیوست. در دولت احمدی نژاد در خط مرزی ۱۸ درصدی دریا یک سکوی شناور اکتشافی بارگذاری و نصب شد. این اقدام هرچند با مخالفت آذربایجان روبرو شد اما در پاسخ با برخورد قاطع ایران مواجه، و بازگشت سرزمین مادری به باکو گوشزد شد. پس از آن نیز پیشنهاد ۶۴ درصدی بین ۳ کشور، به دلیل مخالفت ایران و ترکمنستان بدون نتیجه رها شد.